

تبیین روابط ترکیه و قطر از منظر سازه‌انگاری اجتماعی (۲۰۲۰-۲۰۱۱)

رحمت حاجی‌مینه^۱

محسن یوسفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

DOI: 10.22034/wasj.2023.178677

چکیده

ترکیه و قطر از سال ۲۰۱۱ به ایفای نقش به عنوان دو کنشگر فعال در تحولات خاورمیانه و خلیج فارس پرداخته‌اند. با وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و بحران سوریه، تغییرات مهمی در روابط دوحه-آنکارا شکل گرفت. روابط دوکشور پس از بهار عربی بهبود قابل ملاحظه‌ای یافت و دوحه جایگاه مهمی را به عنوان شریک و متحد منطقه‌ای ترکیه در سیاست خارجی این کشور کسب کرده است. همسویی روابط ترکیه-قطر به ویژه پس از بهار عربی، پیامد وجود انگاره‌های ذهنی و اشتراک در ادراکات و برداشت‌ها و پیوندهای هویتی و ایدئولوژیک متقابل خصوصاً نسبت به جنبش اخوان المسلمین بوده است. در این مقاله با استفاده از نظریه سازه‌انگاری اجتماعی درصدد تبیین عوامل مؤثر بر سیاست خارجی و روابط ترکیه و قطر (۲۰۲۰-۲۰۱۱) هستیم. روش مورد استفاده در مقاله تحلیلی-توصیفی می‌باشد. سوال اصلی در این مقاله عبارت است از اینکه چگونه می‌توان روابط منطقه‌ای ترکیه و قطر (۲۰۲۰-۲۰۱۱) را با استفاده از سازه‌انگاری اجتماعی تبیین کرد؟ فرضیه مورد استفاده در مقاله عبارت است از اینکه: بر اساس سازه‌انگاری اجتماعی، برداشت بین‌الذهانی مشترک ترکیه-قطر و ادراکات برگرفته از ایدئولوژی اخوان المسلمین که منجر به هویت مشترک شد، دو دولت را در سطح منطقه‌ای بین سال‌های (۲۰۲۰-۲۰۱۱) به هم نزدیکتر می‌کند.

کلید واژه: سازه‌انگاری اجتماعی، حزب عدالت و توسعه، قطر و ترکیه، بهار عربی، ائتلاف با قطر.

مقدمه

ترکیه نسبت به کشورهای همسایه و کشورهای خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس داشته است. این راهبرد موجب تغییر اساسی در سیاست خارجی ترکیه و فعال شدن سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه و خلیج فارس و شمال آفریقا گردید. از نظر داوود اغلو ترکیه کشوری مرکزی است که از حوزه نفوذ قابل

با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ترکیه سیاست خارجی فعالی را در منطقه در پیش گرفته است. دوسیاست مهم و راهبردی توسط احمد داوود اغلو وزیر امور خارجه مطرح گردید که عبارتند از «عمق‌استراتژیک» و «صفر کردن مشکلات با همسایگان». این دو راهبرد، نقش اساسی در رویکرد

اساس سازه‌انگاری اجتماعی، برداشت بین‌الذنهانی مشترک ترکیه-قطر و ادراکات برگرفته از ایدئولوژی اخوان المسلمین که منجر به هویت مشترک شد، دو دولت را در سطح منطقه ای (۲۰۱۱-۲۰۲۰) به هم نزدیکتر می‌کند.

۱- پیشینه تحقیق:

۱. در سال ۱۹۹۴ الکساندر ونت، در مقاله خود که در در صفحه ۳۸۵ نشریه «نقدی بر علوم سیاسی در آمریکا» با عنوان «شکل‌گیری هویت جمعی و دولت بین‌المللی» به چاپ رسانده معتقد است که سازه‌انگاری نظریه ساختاری نظام بین‌الملل است که چندین ادعا را مطرح می‌کند از جمله ۲- دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل برای نظریه سیاسی بین‌المللی هستند. ۲- ساختارهای اصلی در نظام دولت‌ها بین‌ذنهانی هستند و نه مادی. ۳- هویت‌ها و منافع دولتی در بخش مهمی توسط این ساختارهای اجتماعی ساخته می‌شوند، نه اینکه به‌طور برون‌زا توسط طبیعت انسانی یا سیاست داخلی به سیستم داده شوند. او در ادامه مقاله خود معتقد است که این ادعا که دولت‌ها از نظر اجتماعی ساخته شده‌اند می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. منافع به هویت‌ها وابسته است و بنابراین، مکانیسم‌های علی رقیب نیستند، بلکه پدیده‌های متمایز هستند-در یک مورد انگیزشی، در مورد دیگر، شناختی و ساختاری-و به این ترتیب، نقش‌های متفاوتی در تبیین کنش دارند.

۲. آقایان انگین یوکسل و هاشم تکینش در مقاله ای که در صفحه ۱۳ گزارشی که با موضوع «عوامل کلیدی همکاری ترکیه و قطر» در سال ۲۰۲۱ توسط مؤسسه «کلینگدال» با عنوان علاقه ترکیه به قطر به چاپ رسیده معتقدند که یکی از علل نزدیکی روابط ترکیه و قطر به دلیل ارتباط و حمایت رهبران دو کشور از جنبش اخوان المسلمین است. همچنین معتقدند که بخش عمده‌ای از ادبیات کنونی در مورد همکاری ترکیه و قطر به اهمیت ایدئولوژی مشترک توجه دارد، زیرا نخبگان حاکم در هر دو کشور حامیان قوی جنبش اخوان المسلمین هستند (Yüksel, Tekines, ۲۰۲۱: ۱۳).

توجهی در مناطق جغرافیایی مجاور خود و حتی فراتر از آن برخوردار است (Daneshnia, Nazarpour, ۱۷۳: ۲۰۱۵). بهبود روابط ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه قطر، بر اساس راهبرد «نوع‌ثمنی‌گرایی» بوده است. یکی از مهمترین اهداف دو کشور ارجاع به پیشینه تاریخی و هویتی شان بوده است. ترکیه به دنبال زنده کردن میراث با شکوه امپراتوری عثمانی توسط رجب طیب اردوغان و اعضای حزب عدالت و توسعه بوده و قطر نیز با توجه به اینکه از بقایای عثمانی تأسیس شده است روابط نزدیکی به ترکیه در پیش گرفته است. پیش از بهار عربی در سال ۲۰۱۱، روابط ترکیه و قطر رو به بهبود بود ولی بهار عربی موجب تحولات مهمی در منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، و کشورهای عربی گردید. سقوط حکومت‌های دیکتاتور عرب و اختلاف و تضاد منافع ترکیه و برخی کشورهای عرب مانند عربستان بر سر موضوعات مرتبط با بهار عربی به ویژه بحرین سوریه، و همچنین حمایت قطر از ایران در شورای همکاری خلیج فارس و محور مقاومت (از دیدگاه چهارکشور عربی تحریم کننده شامل عربستان، مصر، بحرین، امارات)، زمینه ساز تحریم همه جانبه چهار کشور علیه قطر و در نتیجه موجب نزدیکی روابط ترکیه و قطر شد. با توجه به انگاره‌های ذهنی مشترک میان سیاستمداران دوحه-آنکارا برداشت‌های مشترکی میان دو کشور شکل گرفت که در نتیجه آن، شکل‌گیری هویت مشترک، برآیند و نتیجه این هویت مشترک بوده است. هویت مشترک موجب نزدیکی دیدگاه‌های ترکیه-آنکارا شده که نمونه آن را در قضیه تحریم چهارجانبه عربی قطر شاهد بودیم. آنچه باعث شده است در این مقاله روابط ترکیه و قطر را در دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه مورد تحلیل قرار دهیم، اهمیت فوق‌العاده ای است که روابط دو کشور ترکیه-قطر در معادلات منطقه ای خاورمیانه و خلیج فارس با توجه به نظریه تحقیق دارد. سوالی اصلی در این مقاله عبارت است از اینکه: چگونه می‌توان روابط منطقه‌ای ترکیه و قطر (۲۰۱۱-۲۰۲۰) با استفاده از سازه‌انگاری اجتماعی تبیین کرد؟ برای پاسخ به این پرسش از این فرضیه استفاده می‌کنیم که بر

چتم هاوس منتشر کرده، بر این عقیده است که بهار عربی سال ۲۰۱۱ نقطه عطفی در سیاست خارجی دوحه محسوب می شوند که براساس آن قطر بیش از هر زمان دیگری با جنبش‌های مردمی اسلام‌گرا در منطقه همسوسد. دوحه در حمایت از این خیزش‌ها گزینشی عمل کرد و به‌همراه دیگر دولت‌های خلیج‌فارس، در تلاش برای سرنگونی دولت بشار اسد، مستقیماً به حمایت از مخالفان سوری پرداخت.

۷. بیروول باشکان در مقاله خود در سال ۲۰۱۹ با عنوان «ترکیه بین قطر و عربستان سعودی: تغییر روابط منطقه ای و دوجانبه» در مجله روابط بین الملل شورای روابط بین الملل ترکیه، روابط ترکیه- قطر را به عنوان دو کشور تأثیرگذار بر معادلات و تحولات منطقه ای می داند و معتقد است روابط دوحه-آنکارا از پیش از بهار عربی رو به بهبود بوده ولی حجم بازدیدها، ملاقات‌های طرفین از یکدیگر و حجم مبادلات تجاری سه‌کشور پس از تحولات عربی تاکنون رو به بهبود و افزایش بوده است و معتقد است که ترکیه که در دهه ۲۰۰۰ روابط خوبی با قطر برقرار کرده بود، اما با وقوع بهار عربی به دلیل اختلاف پیرامون مسائل مهم منطقه ای با عربستان درگیر شد و روابط خود را با قطر بهبود بخشید. وی همچنین معتقد است که با بهار عربی، تضاد میان کشورها بر سر موضوعات منطقه ای به ویژه بحران سوریه افزایش پیدا کرد و سرانجام موجب اختلاف و نزدیکی روابط برخی کشورها گردید. روابط ترکیه و عربستان با اختلاف همراه شد و روابط ترکیه و قطر بیش از پیش بهبود پیدا کرد. به طور کلی روابط ترکیه-قطر پس از بهار عربی بهبود زیادی یافت. مقامات دو کشور چند دیدار در سطح عالی انجام دادند و تعدادی توافق‌نامه را به امضا رساندند.

۸. ونت در مقاله خود با عنوان «آنا‌رشی چیزی است که دولت‌ها آن را می سازند: ساخت اجتماعی سیاست قدرت» که در سال ۱۹۹۲ در شماره ۴۶ نشریه «سازمان‌های بین المللی» به چاپ رسانده معتقد است که تصورات کشورها از خود و منافع شان، منعکس کننده اقدامات دیگران در طول زمان است.

۳. الکساندر ونت در کتاب خود با عنوان «نظریه اجتماعی سیاست بین الملل» که در سال ۱۹۹۹ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج به چاپ رسانده است معتقد است که اهمیت شرایط مادی تا حدی بر اساس منافع است، اما این منافع یک چیز نیستند. منافع بازیگران تا حدی توسط ایده‌ها تشکیل می شوند. بدون ایده هیچ منفعی وجود ندارد، بدون منافع هیچ شرایط مادی معناداری وجود ندارد، بدون شرایط مادی اصلاً واقعیت وجود ندارد. براین اساس ونت معتقد است که منافع بازیگران تابعی از ایده‌ها و شرایط ذهنی و مفاهیم بین‌ذهنی میان بازیگران است. منافع هویت نیز بر یکدیگر تأثیر می گذارند. بدون منافع، هویت نیروی انگیزشی ندارد. بدون هویت، منافع معنا پیدا نمی کند.

۴. آقای درج و التیامی نیا در مقاله ای که در شماره سوم فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام در سال ۲۰۱۸ با عنوان تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی منتشر کرده اند، معتقدند که قطر و ترکیه طی دو دهه گذشته در تلاش برای ایفای نقش فعال در منطقه بوده اند تا خود را به عنوان بازیگری جدید بشناساند و در تحولات منطقه ای نقشی مانند بازیگران اصلی منطقه مانند ترکیه و عربستان ایفاء نمایند. تأکید دولتمردان قطر بیشتر بر روی نوع دوم قدرت (قدرت نرم و منابع اقتصادی کشور) بوده است.

۵. آقای اشتاینبرگ در مقاله خود که در سال ۲۰۱۳ با عنوان «قطر و بهار عربی: حمایت از اسلام‌گرایان و سیاست جدید ضدسوریه» در مؤسسه امور بین‌الملل وامنیت آلمان منتشر کرده، بر این نظر است که ظهور تضاد منافع میان ترکیه و عربستان در شمال آفریقا و به وجود آمدن اختلاف بین قطر-عربستان و سه کشور امارات، مصر و بحرین به بهانه حمایت قطر از ایران و محور مقاومت (حمایت قطر از تروریسم)، منجر به اعمال تحریم‌های شدید علیه قطر از سوی چهار کشور در تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۱۷ گردید.

۶ خانم جین کین مونت در مقاله پژوهشی خود که در سال ۲۰۱۹ با عنوان «چنددستگی در خلیج فارس: تأثیر بحران قطر» در مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل

یک متغیر وابسته در فرآیند تلقی می‌کند (Wendt, ۱۹۹۴: ۳۸۵-۳۸۶). در سازه‌انگاری اجتماعی ارزش‌ها منجر به هویت، معانی ذهنی و هنجارها، هنجارها سازنده هویت و هویت‌ها نیز تعیین‌کننده منافع می‌باشند و منافع بر تصمیم‌گیری سیاستگذاران تأثیرگذار هستند. تأکید و نت بر نقش مقوم و شکل‌دهنده تعامل اجتماعی بین‌المللی است. هویت دولت در این نظام شکل می‌گیرد و متحول می‌شود (Price & Reus-Smit, ۱۹۹۸: ۲۶۳-۲۶۹). از نظر سازه‌انگاران نظام بین‌الملل بر اساس کدهای قواعد، هنجارها و ملاحظات مبادله‌ای عمل می‌کند و این‌ها به طور دائم بازتولید می‌شوند (Knutsen, ۱۹۹۷: ۲۸۱). در روابط بین‌الملل کنش یا واکنش نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که آنها برای کارگزار قائل هستند. در مقابل کنش واحد از سوی دوست و دشمن، برخوردهای متفاوتی صورت می‌گیرد. چون معنای کنش آنها متفاوت است (Wendt, ۱۹۹۲: ۳۹۱). در سازه‌انگاری اجتماعی ساختار و کارگزار متقابل ساخته می‌شوند. ساختار نظام بین‌الملل ساختاری متشکل از ایده‌های مشترک است، زیرا ایده‌های مشترک مختلف موجب منافع و اقدامات متفاوتی می‌شوند. از این رو، هویت ثابت نیست، بلکه از طریق تعاملات جامعه بین‌المللی ایجاد می‌شود. هویت، منافع را مشخص می‌کند. منافع ملی با توجه به تغییرات هویتی تغییر می‌کند. منافع و هویت نیز بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. هویت بدون منافع، نیروی انگیزشی ندارد. منافع بدون هویت، معنا پیدا نمی‌کند. (Wendt, ۱۹۹۹: ۲۳۱). از نظر سازه‌انگاران، همه کنش و واکنش‌های فرد در محیط اجتماعی صورت می‌گیرد و موجب تصمیم‌گیری می‌شود، سیاست خارجی چیزی است که دولت‌ها متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه خود آن را می‌سازند، تصمیم می‌گیرند، تفسیر می‌کنند و اعلام می‌کنند و در نهایت آنرا اجرا می‌کنند (Karimifard, ۲۰۱۲: ۲۴۵). برخی هویت‌ها و منافع دولتی عمدتاً از روابط با جامعه داخلی («لیبرال»، «دمکراتیک») و برخی دیگر نیز از جامعه بین‌المللی («هژمون»، «متعادل») نشأت می‌گیرند (Wendt, ۱۹۹۴: ۳۸۵).

این اصل شکل‌گیری هویت با مفهوم کنش متقابل نمادین از خود عینی تسخیر می‌شود، که ادعا می‌کند خود، بازتابی از اجتماعی شدن بازیگر است.

۲- چابوب نظری - سازه‌انگاری اجتماعی:

سازه‌انگاری که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث روابط بین‌الملل شد، ریشه در مسئله جامعه شناختی دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن مطرح شد. فردریک کراتوچویل، نیکلاس اوناف و الکساندر ونت، متفکران اصلی این دیدگاه به حساب می‌آیند (Bilis, Smith, ۲۰۰۳: ۵۴۶). در حوزه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل ما با دودسته نظریه سر و کار داریم: ۱- «نظریه‌پردازی رده اول» در مورد ساختار و پویایی نظام بین‌الملل هستند که به شکل نظریه‌های محتوایی، به فهم ما از سیاست جهانی کمک می‌کنند، مانند نظریه واقع‌گرایی ۲- در دسته دوم مباحث فرآنظری که هدف از آنها افزایش فهم ما از سیاست جهانی و تأکید بر مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی می‌باشد، مانند نظریه سازه‌انگاری (Griffiths, ۱۹۹۹: ۴۹). این دسته نظریه‌های معناگرا هستند که موتور و محرک سیاست خارجی را عوامل غیرمادی و فرهنگی و ارزشی در نظر می‌گیرند. بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود دست به کنش متقابل می‌زنند، طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند (Smith, ۲۰۰۴). اهمیت شرایط مادی تا حدی بر اساس منافع است (Wendt, ۱۹۹۹: ۱۳۹). تصورات کشورها از خود و منافع‌شان، منعکس‌کننده اقدامات دیگران در طول زمان است (Wendt, ۱۹۹۲: ۴۰۴). اصول مشترکی میان سازه‌انگاران وجود دارد: رابطه ذهن شناساگر و موضوع (سوژه) تحقیق، واقعیت اجتماعی، ارتباط میان ساختار و کارگزار و موضع‌گیری در برابر نظریه‌های رئالیستی، رابطه میان عوامل مادی و ذهنی، معنا و نقش هویت، معنا و جایگاه مفاهیم بین‌الذهانی، توجه به نقش ساختارهای فکری و غیرمادی بین‌الذهانی. هویت‌ها و منافع اجتماعی همیشه در جریان تعامل هستند. راهبرد سازه‌انگاری هویت‌ها و منافع را به‌عنوان درون‌زای تعامل و

هستند که اقداماتشان به بازتولید یا تغییر جامعه ای که در آن زندگی می کنند کمک می کند. و ۲) جامعه از روابط اجتماعی تشکیل شده است که تعاملات بین این کنشگران هدفمند را ساختار می دهد. عوامل انسانی و ساختارهای اجتماعی، از لحاظ نظری، موجوداتی هستند که به یکدیگر وابسته هستند یا به طور متقابل دخیل هستند (Wendt, ۱۹۸۷: ۳۳۸). براساس نظر ونت رفتار بازیگران به منافع آنها بستگی دارد که مبتنی بر ایده‌های مشترک میان آنهاست. این ایده‌های مشترک که بین الاذهانی هستند منجر به شکل گیری هویت مشترک و در نتیجه رفتار مبتنی بر این منافع و ایده‌های مشترک می شود. از دید ونت اقدامات بازیگران به منافع آنها بستگی دارد و کنش‌های بازیگران نیز تحت تأثیر ایده‌های مشترک است (Mengshu, ۲۰۲۰). سازه انگاران مخالف رئالیسم ساختاری هستند به این دلیل که چیزی را که اغلب عامل تعیین کننده تر است، یعنی ایده‌های مشترک بین‌اذهانی را که رفتار بازیگران را از طریق تشکیل هویت و منافع آنها شکل می دهند کنار می گذارند (۱) (Guzzini, Leander, ۲۰۰۶). منافع توسط ایده‌ها تشکیل می شوند. بدون ایده هیچ منافی وجود ندارد، بدون منافع هیچ شرایط مادی معناداری وجود ندارد، بدون شرایط مادی اصلاً واقعیت وجود ندارد (۱۳۹) (Wendt, ۱۹۹۹). آنچه واقعاً بازیگران را با هویت‌های متفاوت متمایز می کند، ایده‌های مشترک مانند آگاهی و حافظه است (Wendt, ۱۹۹۹: ۲۲۵).

ایده‌های مشترک، انگاره‌های ذهنی مشترک منجر به برداشت مشترک و در نتیجه شکل گیری هویت مشترک در روابط فیما بین می شود. هویت مشترک و برداشت مشترک، زمینه تعامل نزدیک دو کشور را فراهم می کند. ایده‌های مشترک نقش پراهمیتی در روابط میان کشورها به ویژه کشورهایی که دارای ویژگی‌های مشترک، هویت مشترک هستند دارد. بر این اساس ونت در نظریه خود اهمیت ایده‌های مشترک (دانش) را در روابط بین الملل برجسته کرد. به عقیده ونت «دانش مشترک اجتماعی دانشی است که هم مشترک است و هم بین بازیگران مرتبط است».

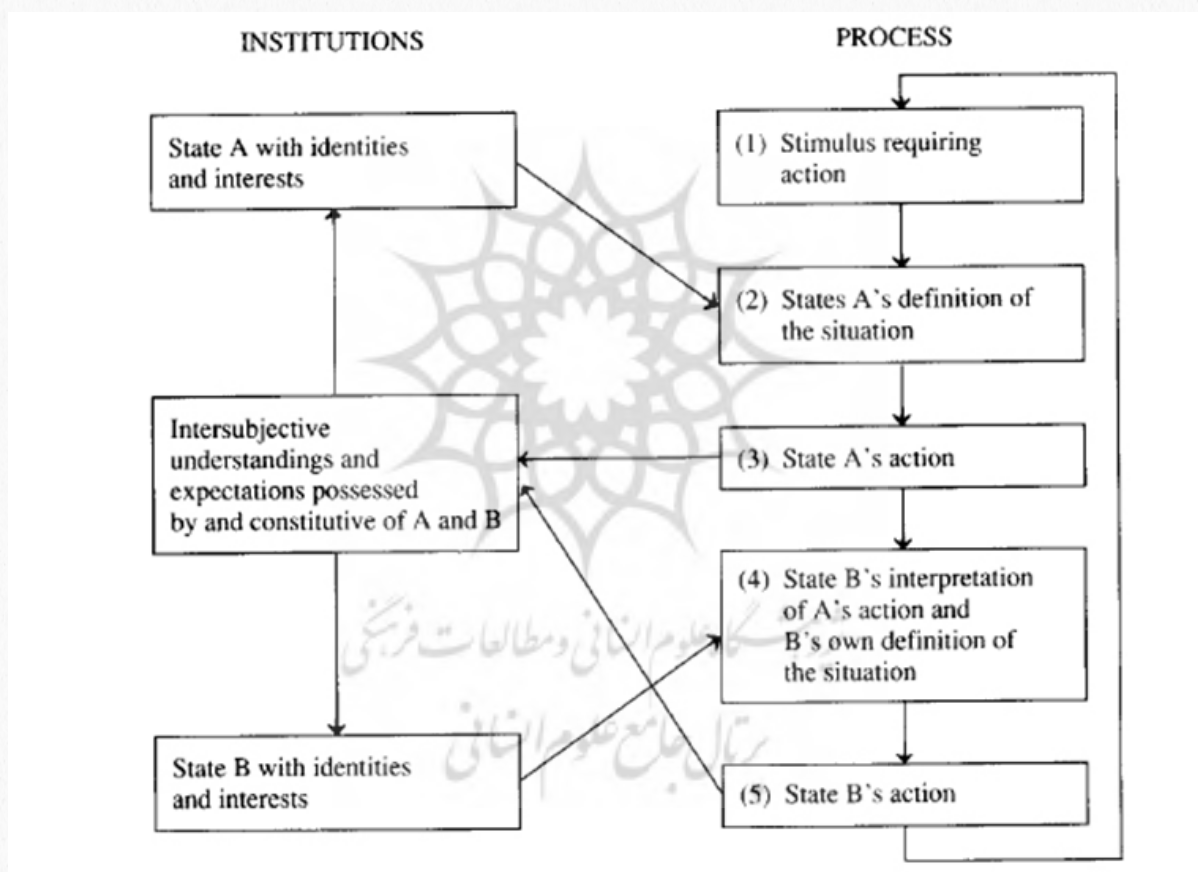
میزان تعامل و تقابل میان کنشگران تابع تفسیری است که از خود و دیگری ارائه شده است (Yazdani, ۱۷۳-۱۷۲: ۱۳۹۶, Tahanianzadeh, Fallahi). دولت‌ها با ارجاع به هنجارها و رویکردهای معنایی و ارزش‌های فیما بین، سیاست خارجی خود را براساس معانی ذهنی شکل می دهند. بر این اساس منافع ملی، برون‌داد تعامل هنجارها، ارزش‌ها و معانی بین‌ذهنی است. آدلر بر این نظر است که هویت دولت‌ها، محور تعریف آنها از «واقعیت» و ساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن و امنیت، و تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست. کشورها زندانیان هویت و دسته بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند و قضاوت‌های ارزشی را از طریق تحت نفوذ قراردادن برداشت‌ها از موقعیت‌های ویژه و نیز جهت‌دادن به انتخاب‌ها تحت تأثیر قرار می دهند (Adler, ۱۹۹۷: ۵۰-۷). سازه انگاران بر بعد بین الاذهانی دانش تمرکز می کنند، زیرا می خواهند بر جنبه اجتماعی وجود انسان و نقش ایده‌های مشترک به عنوان یک ساختار ایده آل محدود کننده و شکل دهنده رفتار تأکید کنند (۳) (Guzzini, Leander, ۲۰۰۶). سازه‌نگاری، هویت دولت را حاصل ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده کشور در نظر می گیرد به گونه‌ای که دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می دهند (Rezaei, Omidi, ۲۰۱۱: ۲۳۵-۲۳۶).

معانی جمعی به ساختارها شکل می دهند، ساختارها به کنش‌ها سازمان می بخشند، هویت با مشارکت در این معانی جمعی شکل می گیرد (Wendt, ۱۹۹۲: ۱۳۱). خود ساختارها به عنوان پدیده‌های نسبتاً پایدار با تعامل متقابل است که خلق می شوند و کنشگران براساس آنها هویت‌ها و منافع خود را تعریف می کنند (Wendt, ۱۹۹۹: ۱۳). ساختار جدا از فرایند یعنی جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد (Wendt, ۱۹۹۹: ۱۲). مسئله «ساختار کارگزار» منعکس کننده یک امر فرانظری است. (Wendt, ۱۹۸۷: ۳۳۹). مسئله ساختار-کارگزار ریشه در دو حقیقت در مورد زندگی اجتماعی دارد که زیربنای اکثر تحقیقات علمی اجتماعی است: ۱) انسان‌ها و سازمان‌های آنها کنشگران هدفمندی

(Mengshu, ۲۰۲۰). همانطور که جدول شماره ۱ نشان داده شده است در سازه انگاری اجتماعی، دولت ها و هویت بر یکدیگر تأثیر متقابل می گذارند و در فرآیند متقابل شکل می گیرند؛ که در این فرآیند دولت ها به هویت مشترکی مبتنی بر برداشت مشترک و بین الاذهانی دست می یابند که نتیجه این فرآیند در روابط ترکیه-قطر نزدیکی روابط دوکشور بود. لذا قالب و چارچوب تحلیل در این مقاله با استفاده

الکساندر ونت خاطرنشان کرد که «ساختارهای جامعه انسانی اساساً توسط ایده‌های مشترک تعیین می‌شود تا نیروهای مادی. ونت معتقد است که گرچه عنصر مادی وجود دارد اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اگرچه ونت وجود عوامل مادی را تشخیص داد، اما این عوامل در نظریه او نقش تعیین کننده ای ایفا نمی کنند. او در عوض اشاره می کند که ایده‌های مشترک مهم ترین عناصر در روابط بین الملل هستند

جدول ۱- تأثیر متقابل و تعامل هویت - دولت بر یکدیگر و درک بین الاذهانی دولتها نسبت به یکدیگر



منبع: الکساندر ونت (۱۹۹۲). آنارشی چیزی است که دولت ها آن را می سازند: ساخت اجتماعی سیاست قدرت، سازمان‌های بین المللی، دوره ۴۶، شماره ۲، ص ۴۰۶

انگاره های ذهنی مشترک ← برداشت های مشترک ← هویت مشترک ←
روابط نزدیک ترکیه و قطر

روابط را به روابط سیاسی و اقتصادی تقسیم بندی کرد. در توضیح روابط سیاسی دوحه-آنکارا می‌توان گفت که اولین ارتباط سیاسی ترکیه و قطر به سال ۱۸۷۱ باز می‌گردد. قطر تا سال ۱۹۱۵ بخشی از امپراتوری عثمانی بود (Kinninmont, ۲۰۱۹: ۹). تجزیه عثمانی منجر به شکل‌گیری دولت‌های ملی و شروع تغییراتی ریشه‌ای در روندها و سیاست‌های جهان اسلام شد. ترکیه از دهه ۱۹۸۰ به دنبال تقویت روابط خود با قطر و کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است. حزب عدالت و توسعه همواره در تلاش برای گسترش روابط با قطر و کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است. در اواخر دهه ۲۰۰۰، به ترکیه و قطر به‌عنوان الگوی مدرنیزاسیون اسلامی در جهان اسلام نگریسته می‌شد. ترکیه در سال ۲۰۰۴، طرح توسعه ناتو، معروف به ابتکار استانبول، را با همراهی قطر به منظور توسعه همکاری نزدیک در زمینه امنیت در خاورمیانه اجرا کرد. در روابط ترکیه و شورای همکاری خلیج فارس دو نقطه عطف وجود دارد: ۱- دوم سپتامبر ۲۰۰۸ شورای همکاری ترکیه را به عنوان شریک استراتژیک خود اعلام کرد. ۲- این شورا همچنین تفاهم‌نامه‌ای با ترکیه به امضا رساند که جلسات سالانه گفتگوی استراتژیک را در سطوح بالا برای مشورت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی و فرهنگی ایجاد می‌کرد. در دهه ۲۰۰۰ ترکیه و قطر دارای نقاط مشترکی از جمله روابط صمیمانه با اخوان المسلمین، ایران، دیدگاه مشترک نسبت به حماس، به رسمیت شناختن حماس به عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین، برقراری روابط ویژه با رژیم اسد بودند (Baskan, ۲۰۱۹: ۸۸-۸۹). در توضیح روابط اقتصادی دوحه-آنکارا نیز می‌توان گفت به جهت نزدیکی روابط سیاسی، روابط اقتصادی نیز به صورت مستقیم متأثر از روابط سیاسی دو کشور بوده است. همانطور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، میزان بازدیدهای سران دو کشور تجارت خارجی و میزان صادرات و واردات دو کشور طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲ را تحت تأثیر قرار داده است و دارای افزایش بی‌سابقه‌ای بوده است. (Baskan, ۲۰۱۹: ۸۷).

از روش تحلیلی توصیفی، نظریه سازه‌انگاری اجتماعی است که در آن انگاره‌های ذهنی و برداشت‌های مشترک میان ترکیه و قطر هویت مشترکی را پدید آورده است، که در نتیجه برداشت و هویت مشترک دوکشور، روابط نزدیک ترکیه و قطر برونداد این انگاره‌های مشترک است. گرچه گاهی اوقات سایر عوامل خارجی بر این زمینه‌های مشترک تأثیر منفی می‌گذارند. در پایان می‌توان مهمترین عناصر نظریه سازه‌انگاری اجتماعی را به این صورت تبیین کرد:

- ۱- بازیگران براساس معانی ذهنی، زبان و باورهای خود دست به کنش متقابل می‌زنند و طبق آن واقعیت اجتماعی را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند.

- ۲- در سازه‌انگاری اجتماعی ارزش‌ها منجر به هویت می‌شوند، معانی بین‌الذهانی و هنجارها سازنده هویت و هویت‌ها نیز تعیین‌کننده منافع هستند که بر تصمیم‌گیری سیاستگذاران تأثیرگذار هستند.

- ۳- در سازه‌انگاری اجتماعی ساختار و کارگزار متقابلاً ساخته می‌شوند و بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند.

- ۴- ساختار نظام بین‌الملل متشکل از ایده‌های مشترک مختلف است که منجر به منافع و اقدامات متفاوت می‌شوند.

- ۵- تأکید سازه‌انگاران بر بعد بین‌الذهانی دانش است، زیرا می‌خواهند بر جنبه اجتماعی وجود انسان و نقش ایده‌های مشترک به عنوان یک ساختار ایده آل محدود کننده و شکل دهنده رفتار تأکید کنند.

بر این اساس با توجه به این نظریه به تحلیل نقش هویت، ارزش‌ها، هنجارها، معانی ذهنی و پیشینه تاریخی مشترک ترکیه و قطر از بهار عربی تاکنون خواهیم پرداخت.

۳- پیشینه روابط ترکیه و قطر:

با توجه به هدف تحقیق روابط ترکیه و قطر به طور کلی در دو مقطع زمانی قابل بررسی است:

- ۱- روابط دوحه-آنکارا قبل از بهار عربی:

در تقسیم بندی روابط ترکیه و قطر، می‌توان این

جدول ۲- روابط تجاری ترکیه-قطر تا قبل از بهار عربی (میلیون دلار)

واردات		صادرات		نوع تجارت
۲۰۱۰	۲۰۰۲	۲۰۱۰	۲۰۰۲	سال
۱۷۷	۱۰	۱۶۲	۱۵	قطر
۱۵۵۷	۱۳۰	۲۳۷۹	۵۶۹	جمع کل

منبع: مؤسسه آمار ترکیه: <http://www.tuik.gov.tr>

استانبول، و «یوسف القرضاوی» و «عمر عبدالکافی» نیز در دوحه ساکن شدند. از دیدگاه دوحه، قیام‌های عربی، فرصتی برای رهایی از ریاض و جستجوی شرکا و ارتباطات خارج از طریق شبکه‌های اخوان المسلمین و باقی ماندن در شورای همکاری خلیج فارس فراهم کرد. پایه‌های اصلی سیاست قطر را نزدیک‌تر شدن به ترکیه، تقویت جریان‌های اسلام‌گرا و حفظ روابط دوستانه با ایران تشکیل می‌داد.^۱ بخش عمده‌ای از ادبیات کنونی در مورد همکاری ترکیه و قطر به اهمیت ایدئولوژی مشترک توجه دارد، زیرا نخبگان حاکم در هر دو کشور حامیان قوی جنبش اخوان المسلمین هستند (۱۳: ۲۰۲۱، Yüksel, Tekines). جدا از ملاحظات ایدئولوژیک و اقتصادی، شبکه سازمانی و زیرساخت سیاسی اخوان المسلمین نیز به عنوان ارتقاء ظرفیتی مهم برای ترکیه و به ویژه قطر کوچک عمل می‌کند (۱۶: ۲۰۲۱، Yüksel, Tekines). پایگاه نظامی ترکیه در قطر از مصادیق همکاری دوحه-آنکارا است که نشان می‌دهد روابط ترکیه و قطر فراتر از همسویی گفتمانی بر سر حمایت از اخوان المسلمین است. پس از بهار عربی، امواج آن به سوریه رسید. رژیم سوریه، اصلاحات محدودی را انجام داد، اما در نهایت به خشونت متوسل شد که باعث فرار سربازان و افسران از ارتش و تشکیل گروه‌های شورشی مسلح از

این تصویر فرصت‌های متعددی را به آنکارا و دوحه از طریق تلاش‌های میانجی‌گرایانه و همکاری‌های اقتصادی ارائه کرد. ترکیه و قطر از سال ۲۰۱۱-۲۰۰۲ به دنبال ایفای نقش میانجی در بحران‌های منطقه ای، کسب اعتبار بیشتر و ارتقا جایگاه خود و ایفای نقش فعال در رقابت برای افزایش حضور خود در شاخ آفریقا از طریق سیاست کمک اقتصادی و حمایت سیاسی در منطقه بوده اند. نقطه شروع تعامل اولیه آنکارا-دوحه، جاه طلبی آنکارا برای برقراری روابط خوب با همسایگان خود در منطقه بود (Yüksel, Tekines, ۲۰۲۱: ۴-۵). ترکیه و قطر هر دو حامی جدی اخوان المسلمین در منطقه بودند.

ب- روابط ترکیه و قطر پس از بهار عربی:

بهار عربی و سقوط دیکتاتوری‌های عربی روابط ترکیه و قطر را دچار چرخش اساسی کرد و منازعه سیاسی (رقابت، نفوذ و تحمیل سلطه) را میان دو گروه مخالف ایجاد کرد: اول محور چهارگانه عربستان، امارات، مصر، بحرین و دیگری محور قطر-ترکیه. انقلاب‌های عربی تهدیدی جدی برای حاکمیت عربستان و امارات قلمداد می‌شدند، در نتیجه دو کشور به حمایت از مخالفان اسد پرداختند. با تشدید اعتراضات عربی، ترکیه و قطر به پناهگاه رهبران این قیام‌ها تبدیل شدند. برخی از چهره‌های اخوان المسلمین در

1 Based on an interview with Professor Allen J. Fromherz, Director of the Middle East Studies Center at Georgia State University (23 November 2020).

ارتش آزادسوریه کانون اصلی دستیابی به گروه‌های شورشی قلمداد می‌شد. (Baskan, ۲۰۱۹: ۸۹-۹۱).

۴- تبیین علل نزدیکی گفتمان و روابط ترکیه و قطر براساس نظریه تحقیق:

محور روابط ترکیه و قطر بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۱، وجود زمینه‌های هویتی و برداشت‌های مشترک و مشابه به منظور پاسخ به این سوال بوده که چگونه می‌توان روابط منطقه ای ترکیه و قطر در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه به ویژه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ را بر اساس سازه‌انگاری اجتماعی تبیین کرد؟ بوده است که موجب نزدیکی گفتمان و در نتیجه نزدیکی روابط دو کشور شده است. احساس هویت مشترک توسط سیاستمداران دو کشور در برخی موضوعات اساسی موجب درهم تنیدگی و ارتباط منافع دوحه-آنکارا شده است. اینکه رهبران ترکیه چه برداشتی از تحولات انقلابی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه داشته‌اند، به شدت بر روند تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور تأثیرگذار بوده است (Gol Mohammadi, Sajjadpour, ۲۰۱۵: ۸۵). بر اساس نظریه سازه‌انگاری اجتماعی، دیدگاه بین‌الذهانی مشترک ترکیه-قطر و ادراکات ناشی از ایدئولوژی اخوان المسلمین منجر به هویت مشترک شد، که این دو کشور را در سطح منطقه ای از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ به هم نزدیکتر می‌کند. براساس نظریه سازه‌انگاری اجتماعی، این انگاره‌ها و فهم معانی بین‌الذهانی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت مشترک دارد، لذا برخی عوامل موجب احساس هویت مشترک و در نتیجه سبب نزدیکی گفتمان و روابط نزدیک ترکیه-قطر شده است. این عوامل که عمدتاً هویتی هستند عبارتند از:

۴-۱- رویکرد ترکیه و قطر نسبت به جنبش اخوان المسلمین:

اخوان المسلمین به عنوان یکی از جنبش‌های اسلامی تأثیرگذار در جهان اسلام بوده است که منبع و منشأ بسیاری از گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی و حتی تکفیری دیگر بوده است و نقش مهمی در شکل‌دهی

جمله تأسیس ارتش آزاد سوریه^۲ توسط افسران فراری درتابستان ۲۰۱۱ شد. مهمترین گروه‌های شورشی سلفی-جهادی، احرارالشام و جبهه النصره بودند که بسط یافته‌القاعده در عراق یا داعش بود. ترکیه در ابتدای بحران سوریه اقداماتی را انجام داد که عبارت بودند از: ۱- در نوامبر ۲۰۱۱ ترکیه رژیم اسد را به کناره‌گیری و انجام اصلاحات ترغیب کرد ۲- مجازات‌هایی را علیه رژیم وضع کرد ۳- در مارس و می ۲۰۱۲ سفارت خود را در سوریه بست و دیپلمات‌های سوریه را اخراج نمود.

قطر پیش از بهار عربی، همانند ترکیه، روابط نزدیکی با سوریه برقرار کرده بود. قطر در ماه‌های اولیه بحران سوریه بیشتر ساکت و بی‌طرف بود. قطر نیز مانند ترکیه درخصوص بحران سوریه اقداماتی را انجام داد که عبارتند از: ۱- در ژوئیه ۲۰۱۱ و پس از حمله معترضان طرفدار اسد به سفارت خود در دمشق، سفارت خود را بست و سفیر خود را فراخواند. ۲- در نوامبر ۲۰۱۱ تلاش کرد تا مانع عضویت سوریه و اعمال مجموعه ای از تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور در اتحادیه عرب شود. ۳- در ژانویه ۲۰۱۲، کشورهای عربی را به مداخله نظامی در سوریه فراخواند. آنکارا از ۲۰۱۶، در تعقیب اهداف خود به‌طور فزاینده‌ای از قدرت نظامی استفاده کرده است، از جمله ارتش ترکیه چندین عملیات نظامی را آغاز کرد زیرا آنکارا تهدیدات مستقیمی را علیه امنیت ملی خود احساس کرد (Aysegul, ۲۰۲۰: ۱۵۷-۱۵۶). عربستان سعودی و برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از گروه‌های سلفی مسلح در سوریه حمایت کردند. آنها خواستار تشکیل دولتی همسو با منافع خود در منطقه و در سوریه بودند تا مانع نفوذ ایران باشد. از جمله اقدامات ریاض برای مداخله در بحران سوریه، حمایت مالی و تسلیحاتی از مخالفان، تحریک اختلافات قومی و مذهبی، به‌کارگیری ابزارهای نرم افزاری و تبلیغاتی، به‌راه انداختن جنگ روانی بود (Khodabakhshi et al, ۲۰۲۰: ۸۸-۸۹). در آغاز ۲۰۱۲ ترکیه و قطر به این نتیجه رسیدند که رژیم بشار اسد باید برود، یا سرنگون شود، لذا شروع به افزایش حمایت مالی و نظامی از گروه‌های شورشی کردند، لذا

۴-۲- بحران سوریه و ظهور حزب اتحاد دموکراتیک سوریه^۳

نقطه اشتراک دیگر ترکیه و قطر که زمینه نزدیکی روابط آنها را به وجود آورد، ظهور حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه بود. دوحه-آنکارا دارای پیوندهای هویتی و برداشت‌های مشترکی نسبت به این موضوع بودند. واکنش ترکیه-قطر و همچنین عربستان سعودی نسبت به این مسئله، دارای اهمیت زیادی است. ظهور حزب اتحاد دموکراتیک سوریه موجب نگرانی ترکیه شد. ترکیه در سال ۲۰۱۶ در سوریه مداخله نظامی کرد و از گسترش حزب اتحاد دموکراتیک سوریه به غرب جلوگیری کرد. حمله دوم ترکیه در ژانویه ۲۰۱۸ صورت گرفت که ضمن هدف قرار دادن حزب اتحاد دموکراتیک سوریه، نیروهای شورشی را مورد حملات خود قرار داد. مداخله ترکیه در شمال سوریه با سکوت عربستان، با حمایت دیپلماتیک قطر همراه شد. مداخله ترکیه منجر به طولانی شدن منازعه سوریه و صرف هزینه ایران و رژیم سوریه و خستگی هر دو می شد. (Baskan, ۲۰۱۹: ۹۶). همسویی قطر با ترکیه در این موضوع، موجب نزدیکی بیشتر گفتمان و روابط دو کشور شد.

۴-۳- روابط دوحه-آنکارا پس از بحران دوم خلیج فارس:

روابط ترکیه و کشورهای منطقه خلیج فارس از جمله قطر و عربستان، عمدتاً تابعی از تغییر سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه است (Van Veen, Yuksel, ۲۰۱۸: ۳۱-۳۲). از نقاط دیگر اشتراک و زمینه‌های پیوند منافع قطر و ترکیه، تأثیر بحران قطر در ژوئن ۲۰۱۷ بود که عربستان و سه کشور امارات، بحرین و مصر موسوم به محور چهارگانه عربی، تحریم همه جانبه ای علیه قطر اعمال کردند. تنش میان قطر و محور چهارگانه عربی پس از اولین سفر ترامپ به ریاض در ۲۰ می ۲۰۱۷ بروز کرد. امیر قطر^۴ طی اظهاراتی ایران را «قدرت بزرگ» نامید و روابط قطر با ایران را «خوب»

به سیاست‌ها و روابط کشورهای اسلامی داشته است. عربستان از مخالفان سرسخت اخوان المسلمین بوده است که ترکیه و قطر از آن حمایت کرده اند. پیوند دیرینه قطر و ترکیه با این جنبش و حمایت‌های این دو کشور دلیل انتخاب و اشاره به این جنبش در مقاله کنونی بوده است. نخبگان قطر بر خلاف بسیاری در منطقه، اخوان المسلمین را سازمانی کاملاً منطقی برای تعامل می‌دانند، و این امر در سیاست دولت آشکار بوده است. بهره‌مندی از منابع مالی فراوان باعث می‌شود که قطر از اخوان المسلمین و گروه‌های مرتبط با آن حمایت کند. یکی از مهمترین نقاط اشتراک گفتمانی دوحه-آنکارا در خصوص موضوع اخوان المسلمین و موضع دو کشور نسبت به این جنبش بوده است. اخوان المسلمین حلقه اتصال دو کشور در منطقه به ویژه بعد از بهار عربی بوده است. قطری‌ها به عنوان بخشی از استراتژی بلندمدت سیاست خارجی، برای مستقل ماندن از عربستان سعودی (یا هر کشور دیگری) و تبدیل شدن به بازیگر مهم بین‌المللی، روابط قوی با اخوان المسلمین را حفظ می‌کنند. الجزیره همچنین نقشی اساسی در اهداف سیاست خارجی قطر در تبدیل شدن به یک بازیگر بین‌المللی با ترویج تصویری مثبت از دولت در سراسر خاورمیانه ایفا می‌کند. برخلاف عربستان سعودی، اخوان المسلمین نه برای اصلاحات دموکراتیک در قطر فشار وارد می‌کند و نه مشروعیت خاندان حاکم قطر را به چالش می‌کشد (Lipp, ۲۰۱۹: ۲). گرچه حزب عدالت و توسعه به شدت به «سنت فکری» اخوان المسلمین پایبند است، اما حاکمان قطر وهابی هستند- همانگونه حاکمان عربستان سعودی هستند و بزرگترین مسجد دولتی در دوحه به نام بنیانگذار وهابیت، محمد بن عبدالوهاب نامگذاری شده است (Baskan, ۲۰۱۶). مطرح‌شدن اخوان المسلمین در چند کشور عربی، می‌توانست مخالفت اسلام‌گرای داخلی عربستان را احیا کند. عربستان نگران تشکیل بلوک منطقه‌ای و همراستا با اخوان المسلمین بود. لذا قطر و ترکیه متحد دوگانه در مقابل عربستان سعودی قرار داشتند که دارای انگاره‌ها، برداشت‌ها و منافع متضاد نسبت به یکدیگر بودند.

3 (PYD) Democratic Union Party

4 Sheikh Tamim bin Hamad Al Thani

رزمایشی نظامی برگزار کردند. یکی از خواسته‌های چهار جانبه عرب برای پایان بخشیدن به بحران قطر، تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه در قطر بود. موضع ترکیه در حمایت از قطر، واکنش عربستان سعودی را در پی داشت. (Baskan, ۲۰۱۹: ۹۶-۹۸).

اقتصاد قطر همچون سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به دلیل وابستگی به نفت، تأثیر زیادی را از استخراج و تولید نفت شاهد بوده است. این تأثیر بر ساختار اقتصاد و تولید ناخالص داخلی این کشور نسبت به سایر کشورهای عربی در سال ۲۰۱۶، تأثیر عمیق و چشمگیری بوده است. همانطور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، میزان تولید ناخالص داخلی قطر در بهار سال ۲۰۱۶ نسبت به سایر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس بیشتر بوده است، به گونه ای که حتی از عربستان سعودی نیز بیشتر بوده است.

توصیف کرد. امیر قطر گفت «ایران از اهمیت منطقه‌ای و اسلامی برخوردار است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و لذا تشدید اوضاع با این کشور به دور از حکمت و تدبیر است». این اظهار نظر با واکنش تند محور چهارگانه عربی مواجه شد و روابط خود را با دوحه قطع کردند (Steinberg, ۲۰۱۳: ۲۱-۲۲). چهار کشور از طریق قطع روابط دیپلماتیک خود با قطر، اقدامات تنبیهی زیادی از جمله تحریم و ممنوعیت هرگونه تردد انجام دادند. ترکیه در بحران دوم قطر، بی طرف بود و خواستار حل بحران از طریق گفت و گو شد. ترکیه به حمایت از قطر پرداخت؛ چندین تن مواد غذایی را به قطر ارسال کرد تا کمبود مواد غذایی ناشی از محاصره را کاهش دهد. دو روز پس از تشدید بحران، پارلمان ترکیه قانونی را برای استقرار نیروهای نظامی در قطر به تصویب رساند. ترکیه و قطر در ماه آگوست،

جدول ۳- درصد رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (بهار ۲۰۱۶)

کشور	قطر	عربستان	امارات	امان	کویت	بحرین
شاخص GDP	۳/۲	۲/۸	۲/۵	۱/۶	۱/۳	۱/۲

منبع: The World Bank, ۲۰۱۶

تأثیر مستقیم می‌گذارد. قطر به عنوان کشوری عربی و عضو شورای همکاری خلیج فارس، دارای زمینه هویتی مشترک-عربی با عربستان است اما به واسطه بحران سال ۲۰۱۷، این زمینه مشترک هویتی کارآیی چندانی در سیاست خارجی قطر نداشت و منجر به مواجهه با عربستان و برداشت مشترک با ترکیه و در نتیجه نزدیکی روابط دو کشور شد. در ۵ ژانویه ۲۰۱۷ میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جمله بحرین، امارات، مصر، عربستان اختلاف و چنددستگی پدید آمد و این کشورها علیه قطر با یکدیگر متحد شدند. تنش در شورای همکاری از پیامدهای سفر ترامپ بود. به دلیل اختلاف و تضاد دیدگاه قطر و عربستان نسبت به مسائل منطقه ای، شکاف سیاسی عمیقی میان آنها پدید آمد. قطر و عربستان در بحران‌هایی مانند سوریه، عراق و یمن، وحدت راهبردی داشتند ولی در

۴-۴- اختلاف قطر-عربستان در شورای همکاری خلیج فارس:

گرچه شورای همکاری خلیج فارس الگویی از انسجام و دیپلماسی بوده، اما با این حال اختلافاتی میان کشورهای عضو وجود دارد. براساس نظریه سازه‌نگاری، فهم بین‌الذهانی و برداشت‌های بازیگران از منافع، شکل دهنده رفتار بازیگران است. ملک عبدالله پادشاه عربستان سالها قبل در سفر خود به آنکارا اعلام کرده بود: «پیوندهایی که کشور دوست و برادر ما، ترکیه را به ما متصل می‌کند، معمولی نیست بلکه معنوی است که مبتنی بر عقاید مشترک است، به همین دلیل هرگونه محاسبه منافع مالی مختلف در یکدیگر به لحاظ ارزشمندتر کردن روابط ما بی فایده است (Ellithy, ۲۰۱۵: ۶۱-۶۲). لذا برداشت مشترک و ذهنی سیاستگذاران به طور مستقیم بر نزدیکی روابط کشورها

۴-۵- دیدگاه قطر در مورد بهار عربی:

بهار عربی مسئله ای هویتی بود که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا روی داد. وقوع بهار عربی نقطه عطفی را در سیاست خارجی دوحه به وجود آورد. قطر با این جنبش‌ها همسو شد؛ صدای معترضان می‌شد؛ در حمایت از این خیزش‌ها گزینشی عمل می‌کرد؛ در تلاش برای سرنگونی بشار اسد مستقیماً به حمایت از مخالفان سوری پرداخت؛ در اجرای منطقه پرواز ممنوع در مداخله تحت‌رهبری ناتو در لیبی شرکت داشت؛ در حمایت اقتصادی از اخوان المسلمین و گفتمان مبتنی بر اخوانی و دولت‌های برآمده از آن در مصر و تونس پا را از دیگر دولت‌های حوزه خلیج فارس فراتر گذاشت. قطر به خاطر پوشش گسترده شبکه الجزیره طرفدار این قیام‌ها بود (Kinninmont, ۲۰۱۹: ۱۱). با آغاز امواج ناآرامی‌ها در سوریه قطر جزء نخستین حامیان این ناآرامی‌ها بود و اولین کشوری بود که سفیر خود را به عنوان اعتراض از سوریه فراخواند... مباحث مربوط به تحریم‌های سوریه را مطرح کرد... و در ادامه حامی اصلی مداخله نظامی در این کشور شد (Dorj, Eltiami Nia, ۲۰۱۸: ۳۴). حاکمان به دنبال نقش‌آفرینی و ایفاء نقش چندجانبه و متفاوت در این تحولات برآمدند. این ایفای نقش چندگانه براساس نظریه سازه‌انگاری ناشی از تعریف چندگانه نقش‌ها و تعریفی بوده است که سیاست‌گذاران قطر با توجه به فهم بین‌الذهانی از منافع این کشور در سیاست خارجی خود داشته‌اند. گستردگی حوادث در منطقه، نشان دهنده بلندپروازی قطر از مغرب تا الجزایر، لیبی، تونس، مصر، سودان، یمن و سوریه به‌عنوان بارزترین صحنه برای نقش‌های متعدد این کشور است (Abdkhodaei, ۲۰۱۵: ۱۸۵ and Tabrizi). نحوه کنش و واکنش دوحه نسبت به بهار عربی یکی از عوامل مهم و مؤثر در گسست روابط قطر از عربستان و گرایش به برقراری روابط نزدیک با ترکیه بوده است. قطر با تعریف نقش جدید برای خود برای حضور فعال در مناقشات منطقه‌ای^۲، سعی کرده بین‌گروه‌های مختلف نقش میانجی داشته باشد، تحولات عربی را فرصتی برای تحکیم موقعیت

مواردی مانند حمایت قطر از اخوان المسلمین و دشمنی عربستان با این جنبش اختلاف داشتند. روابط راهبردی قطر-ترکیه، جاه‌طلبی‌های دوحه، گسست قطر از سیاست‌های عربستان در منطقه موجب نگرانی سعودی‌ها و در نتیجه سبب تحریم از سوی ریاض و چهارگانه عربی شد (Alishahi et al, ۲۰۱۷: ۶۹). ریشه این بحران، سیاست مستقل و نقش قطر در شورای همکاری و در تحولات عربی غیرهمسو با سیاست‌های عربستان، نگاه منفی نسبت به عربستان در میان ملل عرب و شورای همکاری روابط خوب قطر با ایران، ترکیه، سوریه و قدرت‌ها (ایالات متحده) و گروه‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌ها بود (Mohammadi, Ahmadi, ۲۰۱۸: ۱۸۸). ترکیه پس از تحریم قطر توسط محور چهارگانه عربی، با تسریع کمک‌رسانی و ایجاد پایگاه نظامی و استقرار نیروی نظامی در دوحه، ضمن تقویت اتحاد خود با دوحه، هرگونه گزینه نظامی علیه قطر را خنثی کرد.^۱ ترکیه از ۲۰۱۷ به بزرگ‌ترین شریک تجاری قطر تبدیل شده است. اقدامات دوحه در این راستا عبارتند از: پذیرش تعهد سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی ترکیه، اختصاص ۳ میلیارد دلار برای خرید لیر ترکیه و ممانعت از سقوط ارزش آن در بحران ارزی سال ۲۰۱۸. ترکیه نیز اقداماتی انجام داد که عبارتند از: استقرار صنایع نظامی در قطر با هدف تولید مشترک برخی تجهیزات نظامی-دفاعی مورد نیاز قطر در ازبک، احداث پایگاه نظامی با ظرفیت ۵ هزار نفر در قطر با موافقت پارلمان ترکیه که حدود ۳ هزار نظامی ترک در قالب توافق همکاری نظامی در آن مستقر شدند تا اولاً تضمین امنیتی برای دوحه در برابر تهدیدات منطقه‌ای باشد و ثانیاً ترکیه نیز از قطر به عنوان دارایی استراتژیک خود برای بازیگری و نقش‌آفرینی در منطقه عربی استفاده لازم را ببرد. قطر از دیدگاه ترکیه، نقش اساسی در حمایت از رویکرد منطقه‌ای و توسعه طلبانه با تکیه بر گفتمان و تفسیر اخوانی از دین ایفا می‌کند. گفتمان مشترک دو کشور که براساس تفسیر اخوانی شکل گرفته موجب نزدیکی بیشتر روابط دو کشور شده است.

1 Amour, Abdul Rahman. (2018), He did not start with Erdogan and Amir Tamim.. How did the alliance between Qatar and Turkey begin during the Ottoman era?, Arabic Post.

2 Darfur, Ethiopia, Eritrea, Lebanon, Somalia, Israel and Palestine, Yemen, Western Sahara, Afghanistan and Indonesia

از امپراتوری عثمانی بوده، روابط آنکارا با این کشور در سطح مناسبی قرار داشته است. ترکیه به دلیل جایگاه ژئوپولیتیکی که برای خود قائل است در موقعیت مهمی قرار گرفته است و براساس سیاست‌های حزب عدالت و توسعه، به دنبال احیای عظمت و شکوه دوران امپراتوری عثمانی بوده است. انگاره‌های ذهنی مشترک منجر به برداشت‌های مشترک و شکل‌گیری هویت مشترک و در نتیجه روابط نزدیک ترکیه و قطر در خصوص موضوعات و مسائل منطقه ای شده است. از جمله این برداشت‌های مشترک موضوع اخوان المسلمین و نقاط مشترک در خصوص بسیاری موضوعات منطقه ای از جمله بحران سوریه بوده است. روابط قطر و ترکیه به ویژه پس از بحران سوریه به واسطه نگاه و برداشت مشترک دوطرف به موضوعات منطقه ای بوده است. ترکیه و قطر از آنجایی که به دنبال ایفای نقش مهم در منطقه برآمده اند لذا این موضوع را نیز می‌توان به عنوان زمینه مشترک و برداشت مشترک دو کشور قلمداد کرد. قطر و ترکیه با اتکا به هویت مشترک و برداشت‌های مشترک خود، همچنین گفتمان مشترکی را در خصوص حمایت از جنبش اخوان المسلمین شکل داده اند که براساس آن در حوزه عملی نیز اقدامات و سیاست‌های دو کشور در جهت حمایت از اخوان المسلمین بوده است به گونه ای رهبران این جنبش ارتباط نزدیکی با رهبران ترکیه و قطر دارند. با تقابل قطر و عربستان در سال ۲۰۱۷، و تحریم قطر توسط چهار کشور عربی دوحه و ریاض در موقعیت تقابل قرار گرفتند و زمینه ورود ترکیه به ائتلاف با این کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس را فراهم کرد. قطر از نظر تاریخی دارای روابط حسنه با ترکیه بوده است، در سال ۲۰۱۷ به دلیل درگیری با عربستان و اعمال تحریم توسط این کشور، مورد حمایت همه جانبه ترکیه قرار گرفت. آنکارا در راستای حمایت از دوحه، اقدام به ایجاد و استقرار پایگاه و نیروهای نظامی در این کشور کرد. اختلافات عمیق و ریشه‌دار برخی کشورهای عربی خلیج فارس، به ویژه اختلافات سیاسی، ایدئولوژیکی قطر و عربستان و رقابت آنها بر سر نفوذ منطقه‌ای، باعث بحرانی شدن اوضاع سیاسی خلیج فارس شده و علاوه بر تأثیر منفی بر روابط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس،

و به دست آوردن اعتبار منطقه‌ای و نمایش خود به عنوان حامی ملت‌های عرب دانست، در تلاش است از چارچوب سیاست‌های تحمیلی عربستان بر شورای همکاری خارج شود، از بازیگران فعال در بحران سوریه و مخالف بشار اسد بوده و از معارضان سوری از جمله اخوان المسلمین و ارتش آزاد سوریه حمایت می‌کرد (Mohammadi, Ahmadi, ۲۰۱۸: ۱۹۵-۱۹۶). ریشه دو دستگی در شورای همکاری در اوایل ۲۰۱۹، تحریم قطر بود. ایجاد پایگاه نظامی ترکیه در قطر در سال ۲۰۱۵ به عنوان حرکتی نمادین در جهت نزدیکی روابط دو کشور بود. گسترش روابط ترکیه و قطر منجر به افزایش احساس تهدید فزاینده در عربستان سعودی و امارات در رابطه با سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و در نتیجه نزدیکی دیدگاه‌ها، برداشت‌های مشترک و ایجاد هویت مشترک و نزدیکی روابط با دوحه شد (Benli Altunisik, ۲۰۲۰: ۶-۷). در سازه‌انگاری، انگاره‌های ذهنی و برداشت‌های سیاست‌گذاران دو کشور هویتی مشترک را پدید می‌آورند که بر این اساس روابط ترکیه و قطر را به ویژه پس از ۲۰۱۷ و پس از تحریم قطر توسط چهارگانه عربی، تحت تأثیر قرار داده است. حمایت دو طرف از اخوان المسلمین، از جمله انگاره‌های مشترک میان دو کشور بود که موجب روابط نزدیک دو کشور شد. احساس هویت مشترک منجر به ایجاد منافع مشترک می‌شود. هویت مشترک منجر به برداشت مشترک و در نتیجه شکل‌گیری گفتمان همسوی دو کشور با یکدیگر و در نتیجه روابط نزدیک دو کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری:

سیاست‌ خارجی که حزب عدالت و توسعه در ترکیه از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ در خاورمیانه در پیش گرفته است، مبتنی بر چند می‌باشد. بر اساس نظریه سازه‌انگاری ارجاع به هویت‌ها و پیشینه تاریخی و تأکید بر هویت‌گرایی ترک، شکل دهنده منافع و هویت و برداشت سیاست‌گذاران ترک بوده است. این سیاست‌ خارجی، علاوه بر ابعاد مادی بر پایه‌های معنایی نیز استوار بوده است و سیاست‌ خارجی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجایی که قطر بخشی

مشترک ترکیه-قطر و ادراکات ناشی از ایدئولوژی اخوان المسلمین که منجر به هویت مشترک شد، این دو کشور را در سطح منطقه ای از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ به هم نزدیکتر می کند.

References:

1. Abdkhodaei, M. Tabrizi, Z. (2015). Study of Qatar's creative map in the issue of Palestine after the developments in the region. *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, Volume 4, Number 15 (45), pp. 200-179. (In Persian)
2. Adler, E, (1997). Seixing the Middle Ground: Constructivism in World Politics, *European Journal of International Relations*, vol. 3, No. 3.
3. Alishahi, A. Masoudnia, H. Forouzan, Y. (2017). Study of Political Relations between Qatar and Saudi Arabia; From Explaining Convergence to the Political Break from the Islamic Awakening to the Crisis of the Relationship in June 2017. *Quarterly Journal of Strategy, Public Policy*, Volume 7. Number 24, pp. 49-72. (In Persian)
4. Baskan, B, (2019). Turkey between Qatar and Saudi Arabia: Changing Regional and Bilateral Relations, *Uluslararası İlişkiler*, Vol. 16, No. 62, 2019, pp. 85-99.
5. Benli Altunisik, M. (2020). The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Regional and Domestic Insecurities. *FEPS - Foundation for European Progressive Studies*.
6. Bilis, G; Smith, J. (2003). The Globalization of Politics: International Relations in the New Arena. (A, Rah-e Chamani.

اختلافات قدیمی را مجدداً زنده و تشدید نموده است. در سازه انگاری ونت معتقد است که هویت ها و منافع کشور ها که در جریان تعامل ایجاد می شود منافع را به عنوان نتیجه فرآیند در نظر می گیرد. از نظر ونت ساختار نظام بین الملل و کارگزاران درون آن بریکدیگر و بر منافع و هویت کشورها اثر متقابل دارند. منافع و هویت ترکیه و قطر از دیدگاه سازه انگاری بر اساس گفتمان مشترک میان دو کشور شکل می گیرد. دوحه-آنکارا با استناد بر همین انگاره های هویتی گفتمان مشترک و همسو با یکدیگر و در نتیجه روابط نزدیکی با یکدیگر برقرار کرده اند. با توجه به اختلافات هویتی و گفتمان غیر همسو و غیر مشترک میان برخی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، درگیری برخی اعضای شورای همکاری خلیج فارس با قطر، پایه های این شورا را متزلزل ساخته و ماهیت ایدئولوژیک این اختلافات منجر به ایجاد تنش مداوم در روابط اعضای شورای همکاری محسوب میشود. روابط ترکیه-قطر که با وقوع بهار عربی و همکاری و همفکری دو کشور در بحران سوریه تقویت شد و با بحران خلیج فارس به یک اتحاد تبدیل شد. بهار عربی و بحران سوریه موجب شکل گیری و ادغام و فعال شدن بسیاری از گروه ها و جنبش های اسلامی تندرو و افراطی در این کشور شد.

ترکیه و قطر با تکیه بر انگاره های مشترک، برداشتهای مشترک و هویت مشترک خود، روابط خود را با یکدیگر تعریف کرده اند.

با توجه به دیدگاه مشترک ترکیه و قطر در مورد بحران سوریه و نیز نزدیکی گفتمان اخوانی دو کشور، زمینه ساز روابط نزدیک و اتحاد دوحه-آنکارا در سال ۲۰۱۷ شد، به این دلیل که ترکیه به دنبال بسط و گسترش گفتمان اخوانی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است و قطر نیز به دلیل حمایت از این جنبش و گرایشات اخوانی خود به دنبال تبلیغ و حمایت و ترویج این گفتمان در سطح منطقه بوده اند، لذا می توان اینگونه تبیین کرد که اتحاد ترکیه و قطر یکی از پیامدهای مهم نزدیکی گفتمان و پیشینه هویتی دو کشور بوده است. لذا بر اساس نظریه سازه انگاری اجتماعی، و برای پاسخ به سوال اصلی این پژوهش از این فرضیه استفاده کردیم که دیدگاه بین الاذهانی

cial Science, Vol. 8(2)

14. Khodabakhshi, L. Azgandi, A. Hermidas Bavand, D. (1399). Foreign Policy of Iran and Saudi Arabia on the Developments in Syria (2019-2011). Quarterly Journal of International Studies, Volume 17, Number 2 (66), pp. 95-77. (In Persian)

15. Kinninmont, J. (2019). The Gulf Divided: The Impact of the Qatar Crisis, Chatham House: The Middle East and North Africa Programme, (Report).

16. Knutsen, Torbjorn. L (1997). A History of international Relation Theory, Manchester & New York: Manchester University press.

17. Lipp, Andrew. (2019), The Muslim Brotherhood: Exploring divergent views in Saudi Arabia and Qatar. Political Science Thesis, Iowa State University.

18. Mengshu, Zhan. (2020). A Brief Overview of Alexander Wendts Constructivism, <https://www.e-ir.info/2020/05/19/a-brief-overview-of-alexander-wendts-constructivism/> (Accessed 9 March 2022).

19. Mohammadi, H. Ahmadi, E. (2015). Geopolitical Analysis, Breaking Political Relations with Saudi Arabia and Its Impact on the Future of the Persian Gulf Cooperation Council. Quarterly Journal of Strategic Studies, Public Policy, Volume 8, Number 28. (In Persian)

20. Omid, A. Rezaei, F. (2011). Ottomanism - New in Turkish Foreign Policy: Its Indices and Consequences in the Middle East. Foreign Relations Quarterly, Year 3, Issue 3. (In Persian)

21. Price, R. Reus-Smit, C. (1998). Dan-

Trans). Tehran: Abrar Moaser Publications.

7. Daneshnia, F. Nazarpour, D. Salimi, A. (2015). Understanding Turkey's Foreign Policy in the Light of Ahmad Davood Aghloo's Strategic Deep Doctrine. Quarterly Journal of International Relations Studies, Volume 1, Number 17. (In Persian)

8. Dorj, H. Eltiami Nia, R. (2018). Analysis of Qatar Diplomacy in Response to the Syrian Crisis with Emphasis on the Political Relations between Qatar and Saudi Arabia. Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Seventh Year, No. 3, 27, pp. 23-54. (In Persian)

9. ELLITHY, A M H. (2015). Turkish-Saudi Relations: From A Regional Perspective in The Period From 2003 Until 2013, 2015, The Degree of Master of Science in The Department of International Relations Thesis.

10. Golmohammadi, W. Sajjadpour, S M K. Mousavi Shafaei, M. (2015). Erdoganism and Understanding Turkish Middle East Policy. Quarterly Journal of Strategic Studies, Year 19, Issue 3, Serial Issue 73. (In Persian)

11. Griffiths, M. (1999). Fifty Key Thinkers in International Relation, London: Routledge.

12. Guzzini, Stefano. Leander, Anna. (2006), Constructivism and International Relations: Alexander Wendt and his critics. Routledge.

13. Karimifard, H. (2012). Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Asian So-

ganization, Vol 46, No. 2, pp. 391-425.

29. Wendt, A. (1994), *Theories of International Regimes*, Cambridge university Press.

30. Wendt, A. (1994). *Collective Identity Formation and the International State*, *The American Political Science Review*. Vol 88, No. 2 (Jun., 1994), pp. 384-396 (13 pages).

31. Yazdani, E. Tahanianzadeh, A. Falahi, E. (2017). *A Comparative Study of the Strategic Comparisons of Turkey and Saudi Arabia in the Syrian Crisis*. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, Year 6, No. 23. (In Persian)

32. Yüksel, Engin. Tekineş, Haşim. (2021). *Key drivers of Turkish-Qatari cooperation*, Clingendael Institute, <https://www.jstor.org/stable/resrep28664.6>, Report, (Accessed 8 March 2022).

gerous Liasons? *Critical International Theory and Constructivism*, *European Journal of International Relations*, Vol. 4, No. 3.

22. Smith, S. (2004). *Reactive and Structuralist Approaches in International Theories*. *Globalization of Politics: International Relations in the New Age*, translated by Abolghasem Rahmani and others, Tehran: International Institute for International Studies and Research. (In Persian)

23. Steinberg, G, (2013). *Qatar and the Arab Spring: Support for Islamists and new anti-Syrian Policy*, accessible online at http://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2012C07_sbg.pdf, p. 5., accessed 8/05/2013.

24. Van Veen, Erwin. Yüksel, Engin. (2018), *Too big for its boots: Turkish foreign policy towards the Middle East from 2002 to 2018*. CRU Report, (Accessed 8 March 2022.)

25. Wendt, A (1992). *Anarchy is what State make of it: The Social Construction of power politics*, *International Organization*, Vol. 46, No. 2.

26. Wendt, A, (1987), *The Agent-structure Problem in International Relations Theory*, In *International Organization*, Vol. 41, No. 3, The MIT Press, pp. 335-370.

27. Wendt, A, (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge University Press.

28. Wendt, A. (1992), *Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics*, *International Or-*